

پرسش و پاسخ قضایی

با توجه به پرسش‌های
ارسالی خوانندگان تپش
درخصوص موضوعات
حقوقی از جمله سقط جنین،
سهم الارث و سند جعلی



مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی
به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان
می‌توانند پرسش‌های حقوقی خود را با ارسال
پیامک به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را
در همین صفحه بخوانند.

سقط جنین

یکی از بستگان به همسر باردارم داروهای
گیاهی وادویه داده که باعث سقط جنین او شده
است. حالا می‌توانم با توجه به این کار از او شکایت
کنم؟

با توجه به ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی
می‌توانید از او شکایت کنید. در این ماده آمده
است: هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل
دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا
یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً
زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل
دیگری کند که جنین وی سقط شود به حبس از
سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر این‌که
ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر است
و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات
مربوط داده خواهد شد.

سهم الارث

اگر فرزند فوت کند، میزان سهم الارث پدر و
مادرش چقدر است؟

در صورت فوت فرزند وراثت ایشان در وهله اول پدر،
مادر، فرزندان و همسر ایشان است. در صورتی که
فرزند ازدواج نکرده باشد پدر و مادر ایشان در قید
حیات باشند، میزان سهم الارث مادر یک سوم و
مابقی به پدر به ارث می‌رسد.

سند جعلی

اگر به جای کارت گواهینامه از عکس آن
استفاده کنیم و مامور یا محلی که ارائه داده‌ایم
متوجه اصل نبودن آن شود، مرتکب جرمی شده‌ایم.
این در حالی است که گواهینامه داریم.

بله این اقدام استفاده از سند مجعول است و برای
آن مجازات در نظر گرفته شده است. فرد می‌تواند
برای حفظ مشخصات عکسی از گواهینامه بگیرد
و در خانه نگهداری کند، اما نمی‌تواند آن را به جای
اصل ارائه دهد و در صورت ارائه آن مرتکب جرم
شده است.

مطابق قانون مجازات اسلامی، اگر کسی بداند
یک سند جعلی است و با علم به جعلی بودن، از آن
سند و نوشته استفاده کند، مرتکب جرم استفاده
از سند مجعول شده است. در این حال اگر سند
جعلی و ساختگی مورد استفاده، سند رسمی
باشد، مرتکب شش ماه تا سه سال حبس یا سه تا
۱۸ میلیون ریال جزای نقدی و اگر غیررسمی باشد،
به شش ماه تا دو سال حبس یا سه تا ۱۲ میلیون
ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.



ویژه‌نامه حوادث روزنامه جام جم
چهارشنبه ۲۶ تیر ۹۸ • شماره ۸۳۸
خانواده



مرد جوان که از رفتار
وسواسی مادرزنش
خسته شده بود
تصمیم به جدایی
از همسرش گرفت



دردسر مادرزن وسواسی



ربینا هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که وسواس‌های مادرش پای او را به دادگاه خانواده تهران باز کند. مسعود
وقتی دید که هر بار به خانه مادرزنش می‌رود، باید تمام بدنش را بشوید، از این وضعیت خسته شد و بعد از
سه ماه زندگی مشترک تصمیم به جدایی و طلاق گرفت. این زوج هفته گذشته درخواست طلاق خود را به
دادگاه خانواده تهران ارائه کردند.

سیما فراهانی

تپش

توقع دارد هفته‌ای دو یا سه بار به خانه مادرش برویم و حتی
گاهی می‌گوید که شب را هم آنجا بمانیم. اما هر بار به خانه آنها
می‌رویم من واقعا عذاب می‌کشم. دیگر خسته شدم و وقتی
دیدم که همسر هم از مادرش دفاع می‌کند و سعی دارد با من
دعوا کند، تصمیم گرفتم به زندگی مشترکمان برای همیشه
پایان دهم.

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی مادرم
بیماری دارد و من نمی‌توانم به خاطر این مساله او را اذیت
کنم. اما شوهرم توقع دارد رفت و آمد من را با او قطع کنیم تا
درمان شود. مادرم بیماری وسواس دارد و ما هر بار خانه‌اش
می‌رویم باید دست و پاهایمان را بشوییم. این مساله بزرگی
نیست که شوهرم تا این اندازه آن را بزرگ کرده و کارمان را به
دادگاه کشانده است. به هر حال مادرم است و من خیلی
دوستش دارم و اجازه نمی‌دهم کسی به او توهین کند. ولی
مسعود به مادرم توهین می‌کند و توقع دارد به خانه‌اش نرویم.
مگر من می‌توانم دل مادرم را بشکستم و به او بگویم که به خاطر
مریضی‌ات به خانه‌ات نمی‌آییم؟ من تنها فرزند مادرم هستم و
اجازه نمی‌دهم شوهرم مادرم را از من بگیرد. برای همین من هم
دیگر نمی‌توانم با این مرد خودخواه زندگی کنم.
در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند،
ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه
آینده موکول کرد.

مرد جوان وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت
درباره ماجرای زندگی‌شان چنین گفت: سه ماه پیش با ربینا
ازدواج کردم. من و ربینا دوران آشنایی کوتاهی داشتیم و بعد
از چند جلسه صحبت و بیرون رفتن تصمیم به ازدواج گرفتیم.
ما سنتی با هم ازدواج کردیم. در دوران آشنایی و نامزدی هم
چند باری مادرزنم را دیده بودم و با اخلاق و رفتارش تقریباً
آشنایی داشتم. تا این‌که زندگی مشترکمان شروع شد و من
تازه به رفتاری‌های غیرطبیعی مادرزنم پی بردم.

او زنی وسواسی بود و از همان روز اول زندگی مشترکمان
شدت بیماری‌اش را متوجه شدم. هر بار به خانه‌اش می‌رویم
باید اول مستقیم به حمام بروم و خودم را بشویم. احساس
می‌کنم این رفتارش توهین به من است. تا خودم را نشویم
اجازه ندارم وارد خانه شوم و روی مبل بنشینم. مرتب در حال
شست و شو است و بعد از غذا ظرف‌هایمان را ضد عفونی
می‌کند. خیلی سعی کردم با این رفتارهای مادرزنم کنار بیایم ولی
دیگر نمی‌توانم. برای همین به ربینا گفتم که مادرت باید درمان
شود. به او گفتم تا خودش را درمان نکند به خانه‌اش نمی‌روم
چون دارد به ما توهین می‌کند. ولی او به جای درک کردن این
قضیه شروع به دعوا و داد و بیداد کرد؛ در صورتی که من حرف
بدی نمی‌زنم. مادرزنم غیرقابل تحمل است و نمی‌توانم حتی
یک لحظه هم کارهایش را تحمل کنم. در این سه ماه سعی
کردم با این موضوع کنار بیایم ولی نشد. در این میان ربینا هم

اگر عشق و علاقه نباشد هر مشکلی بحران ساز می‌شود

منطق و انتخاب صحیح از مهم‌ترین مسائلی است که زوج‌ها باید
به آن دقت کنند، ولی ازدواجی سرد و بدون عاطفه هم می‌تواند
تبعات خیلی بدی داشته باشد. خیلی از زن و شوهرها بدون در نظر
گرفتن احساساتشان تنها با این نگاه که طرف مقابل گزینه خوبی
برای ازدواج است، تن به ازدواج می‌دهند و در زندگی مشترکشان
با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. این زوج‌ها نمی‌توانند از پس
حل مشکلاتشان برآیند و همین مساله ممکن است پای آنها را به
دادگاه خانواده بکشاند. در این پرونده، درست است مادر عروس
دچار بیماری وسواس است اما این دلیلی نمی‌شود که زوجی به
خاطر آن زندگی مشترکشان را تمام کنند. به نظر می‌رسد این مشکل
مادرزن دلیلی برای لجبازی آنهاست و دو طرف بدون درک شرایط هم
لجبازی می‌کنند.

منصوره نیکوگفتار، روان‌شناس در این باره می‌گوید: به نظر من
در زندگی مشترک عشق هم به اندازه عقل و منطق مهم است.
زن و شوهر اگر نسبت به هم عشقی نداشته باشند و فقط از روی
منطقشان با هم ازدواج کنند، به مرور زمان نسبت به هم سرد شده
و در زندگی مشترک مدام به دنبال ایرادات همدیگر می‌گردند و
کوچک‌ترین مساله را بزرگ می‌کنند و با بی‌ارزش‌ترین مشکلات و
اختلافات هم کنار نمی‌آیند. حتی همین مشکلات را بهانه‌ای می‌کنند
برای جدایی؛ به همین دلیل زن و شوهر باید در زندگی مشترک به
هم عشق و علاقه نیز داشته باشند تا بتوانند در کنار هم با مشکلات
و اختلافات کنار بیایند و آنها را حل کنند. درست است که عقل و